

## اخلاق و معنویت، موانع و آسیب‌ها

علی جمعه مظفری<sup>۱</sup>

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

### چکیده

پرورش استعداد‌های آدمی و افزایش چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، در گرو تحقق مکارم اخلاق و فضایل معنوی ناشی از مبانی دینی است. یکی از شرایط تحقق آن، برطرف کردن موانع و آسیب‌های تهدیدکننده آن است. در این پژوهش، با قطع نظر از جنبه‌های ایجابی تحقق اخلاق و معنویت، تنها به تبیین برخی موانع و آسیب‌ها پرداخته شده است. در این زمینه، داده‌های مورد نیاز از منابع دینی و مجموعه آثار مقام معظم رهبری (مدظله) با تمرکز بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران گردآوری شده و با روش توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

هدف از این تحقیق، شناسایی عمده موانع و آسیب‌های اخلاق و معنویت در عصر حاضر و رفع آنها به منظور تحقق فضایل اخلاقی و ارزش‌های معنوی و نهادینه شدن آنها در جامعه الگو و نظام انقلابی تمدن ساز است. در نتیجه، برخی موانع و آسیب‌های بینشی، گرایشی، انگیزشی، منشی، کنشی با عامل درونی و بیرونی اخلاق و معنویت، شناسایی شده و درباره نقش تخریبی و ضرورت رفع و دفع هر یک از آنها در حد گنجایش نوشتار بحث شده است.

### واژگان کلیدی

اخلاق، معنویت، موانع، آسیب‌ها، کنش‌ها.



## مقدمه

مقوله اخلاق و معنویت در حقیقت، از مهم‌ترین پله‌های ترقی و سعادت فرد و جامعه بوده، در وضعیت موجود که اخلاق و معنویت به نسبت امور دیگر، کمتر مورد توجه و اولویت جدی قرار می‌گیرد، دقت در مفهوم، عناصر، موانع، آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌روی آن و راهکارهای برون‌رفت یک ضرورت است؛ زیرا پرورش توانایی‌های انسان و افزایش معیارهای معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، بدون رفع موانع و آسیب‌های فراروی آن امکان‌پذیر نیست. بسیاری از این موانع و آسیب‌ها در کتب و آموزه‌های اخلاقی در قالب رذایل اخلاقی بحث شده‌اند، اما بررسی آنها به صورت جداگانه و در قالب یک نوشتار مستقل متناسب با نیاز روز چندان به چشم نمی‌خورد. به همین دلیل، در این پژوهش، با قطع نظر از جنبه‌های ایجابی و تبیین اهمیت، اصول، روش‌ها و راهکارهای ترویج اخلاق و معنویت، بیشتر به شناسایی مهم‌ترین موانع و آسیب‌های فراروی اخلاق و معنویت پرداخته شده است. در این زمینه، اطلاعات مورد نیاز از آیات و روایات و آثار گفتاری و نوشتاری رهبر معظم انقلاب که با موضوع مرتبط بوده است، گردآوری شده و با روش توصیفی و تحلیلی به صورت خلاصه و در حد گنجایش این نوشتار مورد بحث قرار گرفته است.

شناسایی و رفع موانع و آسیب‌های اخلاق و معنویت یکی از شرایط و پیش‌نیازهای تحقق فضایل اخلاقی و ارزش‌های معنوی در جامعه است. با نگاهی دقیق به بیانیه گام دوم انقلاب، معلوم می‌شود که اخلاق و معنویت روح حاکم بر سایر توصیه‌ها بوده، همه امور، حول محور اخلاق و معنویت می‌چرخند؛ چنانکه در تعبیری جامع اهمیت و جایگاه اخلاق به اکسیژن و هوایی لطیف تشبیه شده است که اگر در جامعه بشری وجود داشته باشد، انسان‌ها می‌توانند با تنفس آن، زندگی سالمی داشته باشند، [در حالی که] با نبود اخلاق و حاکمیت بی‌اخلاقی، حرص‌ها، هوای نفس‌ها، جهالت‌ها، دنیاطلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، سوءظن به یکدیگر و [در یک کلام]، با وجود این رذائل اخلاقی، زندگی سخت، فضا تنگ و قدرت تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹).

در جای دیگر، معنویت برای بشر، غذا و تغذیه روحی به شمار آمده است که بدون آن، انسان نمی‌تواند زندگی راحت در مدّت طولانی داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۴). با حاکمیت اخلاق و معنویت، محورهای دیگر زندگی نیز سامان می‌یابند و همه چیز به سمت



مثبت سوق داده می‌شوند. چنانکه در خطبه‌های نماز جمعه تصریح شده است: «اخلاق انسان، خصوصیات و خصال اخلاقی انسان‌ها، عمل آنها را جهت می‌دهد و ترسیم می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۲۹). در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان نیز خطاب به آنها فرموده‌اند: «اگر بنیه معنوی مستحکم باشد، در برخورد با حوادث دوران زندگی، شجاعانه، سربلند و پُرافتخار به پیش خواهید رفت؛ هم افتخار دنیوی و هم افتخار معنوی و عزت الهی پیدا می‌کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۵۹/۹/۲۳).

با توجه به اهمیت و جایگاه اخلاق و معنویت، رفع موانع و آسیب‌های آن نیز اهمیت می‌یابد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بر سر راه تحقق اخلاق و معنویت در ابعاد مختلف معرفتی و عملی با عوامل مختلف درونی و بیرونی موانعی وجود دارد. برای مثال، در بعد معرفتی موانع فکری، بینشی، آموزشی، تربیتی، انگیزشی، منشی و کنشی، مانند: غفلت از مبدأ و معاد، کفر و شرک، دنیادوستی، اشرافی‌گری و فرافکنی مورد بحث قرار گرفته‌اند. البته در این مسیر چالش‌هایی نیز وجود دارد که باید به صورت جداگانه بدان‌ها پرداخته شود. رفع موانع، حل چالش‌ها، تشخیص اخلاق و معنویت و گسترش اخلاق و معنویت دینی در میان اقشار مختلف، زمینه دریافت بیشتر ظرایف و دقایق معنوی و اخلاقی و کسب کمالات برتر از جمله مقام قرب الهی را فراهم می‌کند و با رعایت اصول اخلاقی و معنویت برآمده از انقلاب اسلامی، امنیت اجتماعی، عمل به ارزش‌ها و فضایل دینی و الهی گسترش و رونق بیشتری خواهد یافت.

### تعریف اخلاق

واژه «اخلاق» از الفاظ مشترک و دارای کاربردهای مختلف است؛ مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» در لغت به معنای «سرشت و سنجیه»<sup>۱</sup> ی‌پسندیده و مذموم مانند جوان‌مردی و دلیری یا فرومایگی و بزدلی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹). اما در اصطلاح، اخلاق در علوم و موضوعات مختلف کاربردهایی متفاوت دارد؛ مثلاً کارهای اخلاقی در محاورات عرفی به برخورد خوشایند با دیگران، در علم اخلاق قدیم به حد وسط ملکات نفسانی، در علم فقه، تقریباً به کارهای مستحبی در مقابل کارهای واجب و در علم حقوق به ادای حق دیگران مثل احسان به پدر و مادر و... گفته می‌شود (خامنه‌ای، ۹۷-۹۶).



پرداختن به تعاریف مختلف اخلاق و نقد و بررسی آنها ما را از هدف دور می‌سازد. آنچه از این واژه در این نوشتار اراده می‌شود، صفت و رفتار اختیاری پسندیده‌ای است که افزون بر حسن فعلی، از حسن فاعلی یعنی انگیزه قرب به خدا و کسب رضایت الهی نیز برخوردار باشد. این معنای اخلاق با تعریف مصداقی از آن، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چنین آمده است: «اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

در دیدار با مجمع عالی بسیج مستضعفین در پاسخ به پرسش چپستی اخلاق تصریح شده است: «اخلاق، یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاکدامنی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۹/۶).

در دیدار با مسئولان صدا و سیما با اشاره به مصادیق دیگر اخلاق رفتاری فردی و اجتماعی، از «انضباط اجتماعی، وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی، ادب اجتماعی، توجه به خانواده، رعایت حق دیگران، کرامت انسان، احساس مسئولیت، اعتماد به نفس ملی، شجاعت شخصی و شجاعت ملی، قناعت، امانت، درست‌کاری، حق‌طلبی، زیبایی‌طلبی برای ظاهر و باطن زندگی و نیز محیط خانواده، خیابان، پارک و شهر، نفی مصرف‌زدگی، عفت، احترام و ادب نسبت به والدین و معلم» یاد شده و همه اینها به عنوان خلقیات و فضایل اخلاقی معرفی شده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۱۱).

### تعریف معنویت

واژه معنویت مصدر جعلی معنوی است و واژه معنوی منسوب به معنی، کاربردهای مختلفی نظیر حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، باطنی، روحانی و به معنای مقابل لفظی، مقابل صوری و مادی به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۴۱، ذیل واژه معنوی). در اصطلاح، برداشت‌های متفاوت از آن صورت گرفته است. با توجه به مطرح نشدن این واژه به معنای دقیق کلمه در منابع اولیه دینی، نظیر آیات و روایات و ارائه تعاریف مختلف از آن در دنیای غرب، با صرف نظر از پرداختن تفصیلی به آن، تنها مراد از این واژه در این نوشتار توضیح داده می‌شود. مراد از «معنویت» در برابر مادیت توجه به حقیقت و باطن انسان و جهان و در رأس همه،



توجه به خداوند متعال و آموزه‌های معنوی و وحیانی است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تعریف مصداقی از آن بیان داشته‌اند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و در جامعه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

معظم‌له در جمع کارگزاران کنگره عظیم حج با معرفی مصداق معنویت در حج، روح معنویت را مبتنی بر توجه و اخلاص به ذات مقدس احدیت و اظهار عبودیت در برابر عظمت پروردگار دانسته‌اند؛ در صورتی که به این روح معنوی توجه نشود و انسان به جنبه مادی، ظاهرسازی و دوری از معنویت حج بپردازد، در حقیقت، خود را از سرمایه‌های خدای متعال در حج محروم ساخته است (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۱/۱۶).

### رابطه اخلاق و معنویت

رابطه اخلاق و معنویت از نظر اسلام را در عبارتی کوتاه می‌توان چنین بیان کرد که در هر دو حسن فعلی و فاعلی مطرح بوده، از این نظر با هم اشتراک دارند. صفت و رفتاری که حسن فعلی یا فاعلی نداشته باشد، از نظر اسلام اخلاقی یا معنوی به حساب نمی‌آید، اما وجه تمایزشان از همدیگر در این است که در اخلاق حسن فعلی و در معنویت حسن فاعلی برجستگی و نمود بیشتری دارد، به این معنا که صفات و رفتار اخلاقی از کیفیت ظاهری خوشایند نسبتاً محسوس و آشکار در زندگی فردی و اجتماعی، نظیر خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، اعتماد به نفس، مقاومت، صداقت، پاکدامنی و... برخوردار است، در حالی که در صفات و رفتارهای معنوی بیشتر چشم به عالم بالا دوخته شده و به باطن و حقیقت انسان و جهان، به ویژه خداوند متعال توجه بیشتر مبذول می‌شود و نمود ظاهری در آنها نظیر اخلاص، توکل، ایمان به غیب و... چندان محسوس نیست. در هر صورت اخلاق و معنویت ترکیب بسیار ارزشمندی است که همانند چشمه‌سار زلال جاری از قله رفیع دین، با طراوت بخشیدن به سایر تعالیم دینی، آنها را حیات‌بخش و طراوت‌دهنده جان‌های آدمیان می‌سازد. بدون این دو، زندگی در بهترین شکل خود رنگ هوس‌های آلوده و خودخواهانه این جهانی و معطوف به حواجج بدنی و حیوانی می‌گیرد و به هیچ‌وجه تناسب با زندگی انسانی و خداخواهانه نخواهد داشت.



## اهمیت و ضرورت پرداختن به اخلاق و معنویت

از آنجا که انسان مرکب از دو بُعد جسم و جان است و بعد جان و روح، جوهره و حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد، دو فضیلت متعالی اخلاق و معنویت با تأمین نیازهای روحانی آدمی، در حقیقت هستی و حقیقت انسان را تحقق می‌بخشند. هیچ کس حتی مکاتب فکری مادی و پیروانشان که از جهان، جامعه و بشر تفسیر مادی و ظاهری ارائه می‌دهند، نیز احساس نیاز جامعه به اخلاق و معنویت را انکار نمی‌کنند. اخلاق و معنویت با یک نظام دینی نظیر جمهوری اسلامی، رابطه‌ای چند سویه و درهم‌تنیده دارد؛ هم ایمان و معنویت در تحقق و پیدایش انقلاب نقش داشته است (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۶/۲۵)؛ هم نظام جمهوری اسلامی عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)، هم هویت و شاکله اخلاق و معنویت در کنار عدالت و رفاه مادی فلسفه وجودی این نظام است (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲۵)؛ هم هویت و شاکله اخلاقی، هویت حقیقی و سازه اصلی جامعه دینی بوده، همه چیز بر محور آن شکل می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۱۱)؛ هم اخلاق و معنویت از مفاهیم جاویدانه‌ای هستند که به یک نسل و جامعه مربوط نبوده، هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). به همین دلیل، تأکید شده است که امروز باز کردن راهی در درون به سوی خدا و معنویت، احتیاج هر فرد است (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۱۴)، معنویت در وجود انسان، مایه هدفدار شدن و معنابخشی به زندگی شده، به آن جهت می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۱۷)، پیام معنویت در سطح جهان و جبهه جهانی و بین‌المللی انقلاب است (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۴).

در متن بیانیه گام دوم از میان هفت توصیه، از نظر ترتیب، توصیه به اخلاق و معنویت جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است و بیش از ۲۳ بار از واژه اخلاق و بیش از ۱۴ بار از واژه معنویت استفاده شده و تحقق آن دو، نیازمند جهاد و تلاش دانسته شده است.

در این بیانیه از اخلاق و معنویت به مثابه موتور محرکه انقلاب و چرخ دنده حرکت از وضع موجود به سمت آرمان‌ها یاد شده است: «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آن‌ها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). در جای دیگر بیانیه تصریح شده است: «شعور معنوی و



وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). افزایش ناهنجاری‌های اخلاقی و معنوی در کشورهای مرفه و حتی افزایش آمارهای طلاق، اضطراب و ناهنجاری‌ها در مناطق نسبتاً مرفه و اعیان‌نشین یک شهر نسبت به کشورها و مناطق محروم و متدین، به خوبی حقیقت یادشده را تأیید می‌کنند. همه این نمونه‌ها، به روشنی جایگاه و اهمیت پرداختن به اخلاق و معنویت را روشن می‌سازند.

### اخلاق و معنویت مورد نظر اسلام

از اخلاق و معنویت، فراوان سخن به میان آمده و از آن نسخه‌های گوناگونی ارائه شده است. مراد ما در این نوشتار اخلاق و معنویت مورد نظر اسلام است که بر خدامحوری، خداباوری، مراقبت از نفس، توکل، ایمان، محبت و عشق به خداوند متعال و موجودات دیگر استوار است. اخلاق و معنویت اسلامی یک امر فردی و به معنای انزوانشینی و جامعه‌گریزی نیست، بلکه یک امر عقلانی، انسانی، فطری و مدعی مدیریت جهانی، مقاوم‌ساز و مقاومت‌بخش است. زندگی به تعبیر قرآن کریم بر پایه پرهیزگاری از خداوند و کسب رضوان و خشنودی الهی بنا نهاده شده و زندگی بدون اخلاق و معنویت همانند ساختن بنا بر لبه پرتگاهی در آستانه سقوط در آتش دوزخ است (توبه، ۱۰۹). خاستگاه اصلی اخلاق و معنویت اسلامی، قرآن کریم، گفتار و سبک زندگی معصومین (ع) بوده، تمام امور حول محور شریعت و دستور الهی می‌چرخد. هدف نهایی و ویژگی‌ها و رفتارهای اخلاقی و معنوی، رسیدن به مقام قرب الهی و کسب رضایت پروردگار است. در حالی که در معنویت‌های نوپدید، شناخت خداوند و ایمان به او، همچنین عقلانیت، عدالت، احساس مسئولیت اجتماعی و... مطرح نبوده، تنها اموری برای کاهش استرس‌های برخاسته از دنیای ماشینی و پیدایش آرامش و شادی دنبال می‌شود.

### ارکان تحقق اخلاق و معنویت

روشن است که تحقق اخلاق و معنویت صرفاً با توصیه، بخش‌نامه دولتی و احکام قضایی امکان ندارد، بلکه با فراهم شدن ارکان، عناصر و مؤلفه‌های آن قابل تحقق است. این ارکان در یک دسته‌بندی کلی به دو قسم ایجابی و سلبی تقسیم می‌شوند. به عبارتی، تحقق اخلاق



و معنویت از یک سو، به رفع موانع و برطرف کردن آسیب‌ها و از سوی دیگر، به تحقق علل و عوامل ایجابی بستگی دارد. از این دو در علم اخلاق به «تخلیه» یعنی برداشتن موانع و «تجلیه» یعنی آراستن به فضایل اخلاقی و معنوی یاد می‌شود. در این نوشتار تنها به بیان برخی از موانع تحقق این دو فضیلت پرداخته شده و بررسی علل و عوامل ایجابی و همچنین حل چالش‌های آن به زمانی دیگر موکول می‌شود. ناگفته پیداست که شناخت و رفع موانع به تنهایی ضامن تحقق اخلاق و معنویت نیست و از اولین اقدامات رسیدن به این هدف محسوب می‌شود.

### نبود موانع و رفع آسیب‌ها

اخلاق و معنویت مانند هر پدیده فعال و مؤثر، با موانع، آسیب‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود. به عبارتی، برخی از امور ممکن است از ابتدا به عنوان مانع جلوی تحقق اخلاق و معنویت را بگیرند و برخی دیگر پس از تحقق آن دو، آنها را دچار آسیب ساخته و از تأثیر و کارکرد مثبت آن بیندازند، تا زمانی که این موانع، آسیب‌ها و چالش‌ها مورد بررسی دقیق قرار نگرفته و برای آنها چاره‌اندیشی صورت نگیرد، اسباب و عوامل ایجابی مؤثر واقع نخواهند شد. در این نوشتار برخی از مفاهیم ناسازگار با اخلاق و معنویت مورد بحث قرار می‌گیرند، که برای تحقق اخلاق و معنویت اسلامی، رفع آنها ضروری است.

### موانع بر سر راه اخلاق و معنویت

موانع و آسیب‌های اخلاق و معنویت دارای انواع گوناگون بینشی، گرایشی، انگیزشی، منشی، کنشی، آموزشی و... است که دانستن آنها برای تصمیم به رفع آنها در جهت آراستن به زیبایی‌های اخلاق و معنویت ضروری به نظر می‌رسد: در بیانی از رهبر معظم انقلاب بر این حقیقت تصریح شده است که «وقتی یک ملت به دنبال یک هدفی حرکت می‌کند، اگر نداند سر راه او چه خطرات و کمین‌کرده‌هایی هستند و... بی‌خیال باشد، ضربه خواهد خورد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۶). در ادامه، با برخی از این موانع و آسیب‌ها آشنا خواهیم شد.





## ۱. موانع بینشی

مکتب اخلاقی و نظام معنوی اسلام از نظر بینشی، فهمی که از هدف انسان و روابط او با دیگران، به ویژه با خداوند متعال ارائه می‌کند، عبارت است از اینکه انسان با رفتار و صفات اخلاقی و معنوی خود باید خود را به مقام قرب الهی برساند و با جلب رضای او، به اخلاق الهی تخلق یابد: منابع دینی از جمله آیات و روایات فراوانی بر این مطلب دلالت دارند که از ذکر تفصیلی آنها معذوریم (انسان، ۹؛ انعام، ۱۶۲؛ علامه حلی، ۱۹۸۲م: ۲۴۸). اما از مجموع آنها برمی‌آید که شاخص رسیدن به فضایل اخلاقی و دستیابی به معنویت اسلامی دستیابی به توحید خالص در ابعاد مختلف آن است؛ یعنی یک انسان اخلاق مدار و معنوی از نظر «بینشی»، خدا را برترین حقیقت (اعلی، ۱؛ یوسف، ۳۹؛ توبه، ۴۰) و براساس مفهوم الله اکبر، برترین شعار اسلامی، خداوند را برتر از وصف می‌داند. از نظر «گرایشی» خدا را دوست‌داشتنی‌ترین محبوب (بقره، ۱۶۵؛ توبه، ۲۴) و از نظر «انگیزشی» خدا را شایسته‌ترین مقصد و هدف رفتار و منش خود قرار می‌دهد (مائده، ۴۸ و ۱۰۵؛ انعام، ۱۶۴). به هر مقدار این بینش و گرایش توحیدی با مانع مواجه شود و آسیب ببیند، به همان مقدار انسان از اخلاق و معنویت دور خواهد شد. هر نوع تلاش برای رشد و گسترش اخلاق و معنویت، باید با تثبیت بینش توحیدی و گرایش الهی همراه باشد. اساس تبلیغ پیامبر اکرم (ص) در عصر سفاقت و جهالت جمله «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» بود و به فرموده رهبر معظم انقلاب، باید کاری کرد تا دیگر انسان غیرخدا را عبودیت نکند، در مقابل غیرخدا، پیشانی بندگی به زمین نساید، از قید و بندهای عبودیت‌ساز نظیر: عبودیت نظام‌های اجتماعی غلط، آداب و عادات غلط، عبودیت خرافات، اشخاص و قدرت‌های استبدادی، هواهای نفسانی، عبودیت پول، زر و زور و... آزاد شود. با کنار زدن همه این عبودیت‌ها فلاح و رستگاری حقیقی فلاح دنیا و آخرت حاصل خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۰/۱۰/۱۳۷۳). هر جا توحید خالص نباشد، در اثر شرک (نساء، ۱۱۶؛ لقمان، ۱۳؛ حج، ۳۱؛ فتح، ۶؛ انعام، ۸۸). یا کفر و نفاق (توبه، ۶۸ و ۷۳؛ حدید، ۱۳؛ نساء، ۱۴۵؛ نساء، ۱۴۰ و ۱۳۸) و یا ریا و تظاهر به مردم (بقره، ۲۶۴) و یا ارتداد (بقره، ۲۱۷)، یا تکذیب آیات الهی و تکذیب آخرت (اعراف، ۱۴۷) هیچ یک از زحمات انسان به ثمر نمی‌نشیند و بلکه تمام داشته‌های انسان حبط و نابود خواهد شد (مائده، ۵؛ توبه، ۶۹).

یکی از موانع «بینشی»، سطحی‌نگری آموزه‌های اخلاقی و معنوی است. اخلاق و معنویت، گمشده دوران ما، تعدیل‌کننده‌های غرایز و تمنیات انسان در استفاده از خواسته‌های مادی و ظاهری جوامع صنعتی و غیرصنعتی است. از نظر دینی، زنده بودن یک جامعه به زنده بودن اخلاق و معنویت آن بوده و اوج و شکوه بدون اخلاق و معنویت حاصل نخواهد شد. این نعمت‌های بزرگ با سطحی‌نگری در بخش نظر و ساده‌انگاری در بخش عمل به دست نخواهد آمد. برای رشد اخلاقی و معنوی باید نگاه عالمانه و محققانه داشت. نگاه سطحی و سلیقه‌ای به آموزه‌های اخلاقی و معنوی موجب می‌شود که انسان آن را به بهای اندک از دست داده و خیال کند که تعالیم اخلاقی و معنوی نیز مثل هر امر سلیقه‌ای دیگر تابع سلیقه، شرایط، زمان و مکان است؛ اگر طبق سلیقه ما نبود و مطابق آن عمل نکردیم، چیزی از دست نداده‌ایم؛ در حالی که با توجه به اهمیت اخلاق و معنویت که قبلاً اشاره شد، این یک خیال باطل و خطرناک خواهد بود.

## ۲. موانع گرایشی

با توجه به ضرورت بینش صحیح نسبت به تحقق و رشد اخلاق و معنویت، اهمیت و ضرورت گرایش صحیح یا میل و رغبت درست انسان به چیزی مادی و معنوی برای تحقق هدف اخلاق و معنویت نیز روشن می‌شود؛ زیرا انسان از نظر گرایشی هر کجا میل و دلبستگی‌های غیرخدایی برایش اولویت یابد، ولو آنها نزدیک‌ترین افراد و اشیاء به انسان نظیر پدر و مادر، فرزند، همسر، قوم و عشیره، مال و اموال، شغل و کار، خانه و مسکن و... باشند، هرگاه آنها بیش از خدا، رسول و جهاد در راه او کشش و محبوبیت بیابند، به همان مقدار کشش و گرایش مانع پیشرفت انسان در امر اخلاق و معنویت خواهد شد (توبه، ۲۴). در مقام تعارض و تراحم بین فضایل اخلاقی و محبت به این امور، اولویت دادن به امور یادشده، انسان را از فضایل و مکارم اخلاقی محروم خواهد ساخت.

## ۳. موانع انگیزشی

منظور از انگیزش، مشوق‌های ذهنی و بیرونی نیرو و جهت‌دهنده به رفتار آدمی است که جزء مبادی فعل ارادی بوده و از آن به شوق مؤکد نیز یاد می‌شود. در موانع «انگیزشی» اخلاق



و معنویت اسلامی، گاه از فقدان انگیزش کافی و اولویت ندادن افراد به سلامت اخلاقی و معنوی در زندگی فردی و اجتماعی سخن به میان می‌آید و گاه انحراف و درست نبودن آن از دیدگاه مکتب اخلاقی اسلام مورد بحث قرار می‌گیرد. فقدان یا ضعف انگیزه در پرداختن به مسایل اخلاقی و معنوی، نیز عوامل مختلف دارد، گاه این کار بر اثر جهل به اهمیت و ضرورت اخلاق و معنویت است و گاه پس از آگاهی به اهمیت آن، بر اثر عوامل کاهنده دیگر، نظیر توجه افراطی به مادیات و مظاهر دنیوی و یا توجیه اعمال غیراخلاقی خود با اخلاقی نبودن جامعه و انسان‌های دیگر و یا غفلت از اهمیت آن، صورت می‌گیرد. عامل جهل در تمام ابعاد زندگی انسان، مشکل‌آفرین بوده است و بسیاری از خسارت‌ها و مصائب بر پیکره دین، اخلاق و معنویت، از عدم فهم آگاهانه و تقلید کورکورانه نشأت می‌گیرد. وجود عوامل انگیزشی و پیدایش شوق شدید یکی از مبادی افعال اختیاری بوده و در تحقق اخلاق و معنویت نیز ضروری است. با نبودن یا ضعف انگیزه و شوق، طبیعتاً تقاضا برای رشد اخلاقی و معنوی پدید نمی‌آید و یا پس از تحقق به زودی رو به افول خواهد رفت. به همین دلیل، در بیان مقام معظم رهبری آمده است: «بدون انگیزه، بدون یک عامل درونی، این‌گونه کارهای برجسته [کارهای با کیفیت، ابتکاری، پیدا کردن راه‌ها و شیوه‌های نو]، چه از لحاظ کمی، چه از لحاظ کیفی، امکان‌پذیر نیست. این انگیزه ترکیبی از ایمان و آگاهی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۴/۲۳)

این ضعف انگیزه، یا نبود انگیزش در اهتمام به مسایل معنوی و اخلاقی متأسفانه در رفتار بسیاری از افراد، جوامع، رسانه‌ها و دستگاه‌های مسئول و غیرمسئول فراوان به چشم می‌خورد. هر یک از آنها به اندازه اهتمام‌شان به سلامت جسمی و پیشرفت دنیوی، به سلامت و رشد اخلاقی و معنوی‌شان اهتمام نمی‌ورزند، لذا مسایل اخلاقی و معنوی جزو اولویت‌های زندگی قرار نمی‌گیرد. بسیاری از مؤسسات، دستگاه‌ها، شرکت‌ها، رسانه‌ها و خانواده‌ها برای سلامتی کودکان و دیگران به اهمیت مصرف شیر و رعایت قوانین رانندگی و... تأکید دارند، اما برای رشد اخلاق و معنویت افراد سرمایه‌گذاری و تلاش نمی‌کنند. ممکن است بسیاری از افراد، نهادها و خانواده‌ها در حد دوست داشتن به اخلاق و معنویت گرایش داشته باشند، اما این مقدار برای ایجاد انگیزش کافی نیست و برای گسترش اخلاق و معنویت انگیزه و شوق شدید و فراوان لازم است، تا در برابر گرایش و تقاضای شدید، حرکت مناسب برای تحقق مسایل معنوی و اخلاقی صورت گیرد. با توجه به ضرورت چنین عزم راسخ برای



تحقق اخلاق و معنویت است که رهبر انقلاب تأکید فرموده‌اند که اگر ما از لحاظ اقتصاد به بالاترین مقام برسیم و از لحاظ سیاست، اقتدار و عزت امروز را نیز چند برابر کنیم، ولی اخلاق مردم ما، اخلاق اسلامی نباشد؛ در میان ما گذشت، صبر، حلم و خوش‌بینی نباشد، اساس کار از بین خواهد رفت. اساس کار، اخلاق است. همه اینها مقدمه اخلاق حسنه است- اِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۸). حکومت اسلامی برای تربیت انسان‌ها، تعالی بخشیدن به اخلاق آنها، نزدیک‌تر ساختن آنها به خدا و قصد قربت کردن است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲)

یکی از مواردی که ممکن است مانع انگیزشی برای اخلاق و معنویت ایجاد کند، بروز غفلت از اهمیت امور مهم و تمرکز روی کارهای غیر مهم است. «انسان‌ها بر اثر غفلت از خدای متعال - که روح هستی و حقیقت هستی است - از خودشان، دلشان و از حقیقت‌شان غافل می‌شوند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۲۹).

رهبر انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه به عنوان گلایه مطرح کرده‌اند: «یکی از ضعف‌های ما این است که به موازات پیشرفت‌های علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه اخلاقی و نفسی پیدا نکرده‌ایم... ما در علم و در سیاست پیشرفت کردیم؛ باید در معنویت و در تزکیه نفس هم پیشرفت می‌کردیم... اما از تزکیه اخلاقی و نفسی غفلت کردیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). نتیجه آن در فرمایش دیگر ایشان مطرح شده است: «بشر، وقتی از معنویت غافل شد، همه درهای اصلاح و صلاح به روی او بسته خواهد شد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۲۹).

یکی از موانع انگیزشی اخلاق و معنویت اسلامی، انحراف انگیزه و نیت در رفتارهای اخلاقی و معنوی است، بدین معنا که در اخلاق و معنویت مورد نظر اسلام، منیت و غیر خدا در کار نیست و همه کارها برای خدا و در راه خدا انجام می‌شود. برای مثال، دانه پاشیدن برای پرندگان با هدف شکار آنها و رهانیدن بره از چنگال گرگ برای کباب شبانه کار اخلاقی و معنوی محسوب نمی‌شود. کار اخلاقی از منیت‌ها و خودخواهی‌ها به دور است و انجام دادن آنها تنها به فرمان خدا، لوجه‌الله (الانسان/ ۹)، فی سبیل‌الله (نساء/ ۷۴ و ۱۰۰ و...) و ابتغاء مرضات‌الله (بقره/ ۲۶۵) صورت می‌گیرد.



#### ۴. موانع منشی

منش به معنای خوی، طبیعت و سرشت شامل خوی نیک و زشت می‌شود. بارها تکرار شد که تحقق فضایل اخلاقی و معنوی زمانی موقعیت، زمینه و ثبات پیدا می‌کند که موانع تحقق و آسیب ثبات و استمرار آنها از بین رفته باشد. از آنجا که در مقابل هر خوی نیک و فضیلت اخلاقی، یک یا چندین خوی زشت و یا ردیلت اخلاقی قرار دارد، بدون رفع این رذایل و طبایع زشت از وجود انسان، تحقق فضایل اخلاقی و معنوی غیر ممکن و یا خیلی دشوار خواهد بود. این بحث در بسیاری از کتب و مباحث اخلاقی مطرح شده و بسیار روشن است. لذا از طرح تفصیلی آن صرف نظر کرده، تنها به ذکر فهرستی از مهم‌ترین رذایل اخلاقی به عنوان موانع منشی یاد می‌کنیم. منش شامل رفتارهایی پرتکرار که تبدیل به عادت، خوی و طبیعت شده نیز می‌شود. بنابراین رفتارهایی که مانع تحقق بسیاری از فضایل اخلاقی و معنوی می‌شوند، عبارت‌اند از: شرک، نفاق، ریا، کفر، ظلم، خیانت، دروغ‌گویی، سخن‌چینی، دزدی، سوءظن، تفاخر، غیبت، شهوت‌رانی، عیب‌جویی، تکبر، اسراف، بخل، کج‌خلقی، تهمت، تعصب و لجاجت، حرام‌خواری، حسد، حرص و طمع، عاق والدین، قطع رحم، خشم و غضب، کفران نعمت، کم‌فروشی، تمسخر دیگران، زنا، لواط، استمنا و ... .

با توجه به فراوانی موانع منشی ناشی از تکرار موانع کنشی و کشش‌هایی برای آلوده شدن انسان به آنها، رفع آنها و آراستن به فضایل مقابل آنها کاری بسیار سخت و دشوار است که گاه در برخی از معارف دینی تحقق آن شبه‌اعجاز دانسته شده است: برگرداندن معتاد از عادتش شبیه اعجاز است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۳۷۴). اندیشه دینی ضمن اذعان به ممکن بودن آن، از آن به جهاد با نفس یا جهاد اکبر تعبیر کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۲)، که خود‌گویای نیاز شدید آن به جهاد، تلاش و صرف نیروی فراوان است و به همین دلیل، در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز برای تحقق بسیاری از این فضایل به لزوم جهاد و تلاش، مدیریت جهادی و عمل جهادی اشاره شده و بیش از بیست بار واژه «جهاد» به کار رفته است.



## ۵. موانع کنشی

کنش به معنای رفتار و کردار، شامل رفتار و کردار نیک و بد می‌شود. همان‌گونه که رفتار نیک موجب تحقق اخلاق و معنویت می‌شود، متقابلاً رفتار و کنش زشت نیز مانع تحقق آنها و یا موجب آسیب به آنها می‌شود. در تحقق کنش و رفتاری که مانع تحقق اخلاق و معنویت است، شاید عوامل گوناگون دخالت داشته باشند، اما در یک تقسیم‌بندی کلی عمده عوامل یا درونی و یا بیرونی هستند. با توجه به این دسته‌بندی، به نمونه‌هایی از هر دو نوع کنش اشاره می‌شود:

### الف) موانع کنشی با عامل درونی

منظور از موانع کنشی با عامل درونی آن است که برخی از رفتارهای انسان بدون دخالت عمده عامل بیرونی توسط خود انسان صورت می‌گیرد و انجام آن، مانع تحقق و رشد اخلاق و معنویت در نهاد انسان می‌شود.

- **گناه و معصیت:** یکی از موانع تحقق فضایل اخلاقی و معنوی، رفتارهایی هوس‌آلود و معصیت‌هایی هستند که مفسد ذاتی و درونی آنها سنخیتی با اخلاق و معنویت نداشته، جلوی آن را سد می‌کنند و یا به آن آسیب می‌زنند. انسان گناه با وجود اعتقاد و محبت به فضایل و امور معنوی، در عمل جز پیروی از هوس‌ها و لذت‌ها و تأمین نیازهای جسمانی و این جهانی، دغدغه دیگری ندارد. آیات و نشانه‌های الهی را به فراموشی می‌سپارد و یا با سوءاستفاده از نعمت‌ها، آنها را به نقامت و عذاب تبدیل می‌سازد. قرآن کریم این زندگی را، جهنمی و صاحبانشان را اهل جهنم معرفی کرده است (یونس/ ۷). رهبر معظم انقلاب، با اشاره به برخی از این موانع کنشی، دوری از آنها را مظهر معنویت مورد نظر حضرت امام (ره) دانسته و تأکید کرده‌اند: دوری از گناه، تهمت، غیبت، سوءظن، بددلی، غرور و این‌گونه مسائل، مظهر معنوی است که امام به آن پایبند بود و مردم و مسئولان را به آنها دعوت می‌کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۴).

ایشان در خطاب به اқشار مختلف مردم تصریح کرده‌اند: «امروز در جامعه ما، یکی از تلاش‌های اساسی، باید تغییر اخلاق باشد. هر کدام از ما همین من و شما که این جاروبه‌روی



هم نشسته‌ایم؛ تک تک من و شما... خودمان را از فساد اخلاق، از پستی، از دروغ‌گویی، از بدخواهی، از بددلی، از کینه‌ورزی، از بی‌رحمی، از تعرض به حقوق دیگران، از جفا در حق دیگران، از بی‌اعتنایی به حال مردم محتاج توجه و مراقبت و بقیه اخلاقیات فاسد، دور نگه داریم. همه انبیا و اولیا آمدند تا اخلاق انسان‌ها را عوض کنند. منتها عوض کردن اخلاق انسان‌ها به صورت موعظه و نصیحت و در یک نظام غلط طاغوتی، به کندی صورت می‌گیرد. اما در نظامی که براساس ارزش‌های الهی به وجود آمده باشد، تغییر اخلاق مردم، به سهولت انجام می‌گیرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۴/۲۳).

مانعیت رفتارهای زشت، از جمله گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره در تحقق اخلاق و معنویت بسیار روشن است و نیاز به توضیح ندارد، در این میان، به برخی از کنش‌ها که شیوع بیشتری دارد و کمتر به مانعیت آنها توجه شده است، به صورت جداگانه اشاره می‌شود.

- **دنیاطلبی و مادی‌گرایی:** فضایل اخلاقی و به ویژه فضایل معنوی در مقابل مادیت و مادی‌گرایی قرار دارد، لذا در هرکجا دنیاطلبی و مادی‌گرایی افراطی حاکم باشد، جلوی تحقق و رشد اخلاق و معنویت گرفته می‌شود. در روایات ما از امام باقر(ع) آمده است: *مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُوْدِهِ الْقَرِّ كُلَّمَا اِزْدَادَتْ عَلَيْهِ نَفْسَهَا لَفَأَ كَانَ اَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا* (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۳۴): مثل شخص دنیاطلب، همچون کرم ابریشم است که هرچه بیشتر بر خود بتند راه بیرون رفت و نجاتش را مسدودتر می‌سازد، تا آن که از غصه می‌میرد. تجربه عینی نیز نشان می‌دهد که افراد حریص بر دنیا، فرصت پرداختن به بسیاری از مسایل ضروری را ندارند و در این میان، اخلاق و معنویت قطعاً مورد غفلت و بی‌توجهی‌شان قرار خواهد گرفت. در فرمایش امام صادق(ع) نیز آمده است: *مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ اِزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ* (کلینی، ج ۲: ۱۳۶): مثل دنیاطلبی همانند آب شور دریاست که آدم تشنه هرچه از آن بیاشامد، تشنگی‌اش زیادت‌ر می‌شود و آن قدر از آن بنوشد تا سرانجام او را بکشد.

رهبر انقلاب نیز با شمارش برخی از ضعف‌ها و خطرهای پیش‌رو، از گرایش به دنیاطلبی و مادی‌گرایی به عنوان یک ضعف و خطر یاد کرده است که وقتی گریبان بعضی از مسئولان را می‌گیرد، برای آنها ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافی‌گری از قبح می‌افتد. «میل به اشرافی‌گری، تجمل، جمع ثروت و استفاده از ثروت به شکل نامشروع و نامطلوب، به طور



طبیعی در خیلی از انسان‌ها هست. وقتی مسئولین خود را رها کرده، به این ضعف‌ها دچار شوند، این به مردم سرریز شده و در مردم هم این مسئله پیدا می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

**- مصرف‌گرایی:** یکی دیگر از موانع رشد اخلاق و معنویت و پیشرفت‌های دیگر، مصرف‌گرایی است، مصرف‌گرایی به صورت اسراف یکی از بیماری‌های خطرناک هر ملتی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۱). ایشان در جمع زایران و مجاوران حرم رضوی با اشاره به همین مشکل بیان داشته‌اند: «ما در سبک زندگی مشکلاتی داریم: یکی از مشکلات ما، مصرف‌گرایی، اسراف و زیاده‌روی و زیاد خرج کردن است؛ یکی از مشکلات ما رفاه‌طلبی افراطی و اشرافی‌گری است، زیاد مصرف کردن، زیادی خواستن، زیادی خوردن، زیادی خرج کردن، جزو عیوب مهم ما در سبک زندگی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱/۱).

مانعیت مصرف زیاد، اسراف و مانند آن برای اخلاق و معنویت از نظر دینی بسیار روشن است و آیات متعدد قرآن کریم در هنگام سخن از آن، در یک‌جا مسرفان را اهل جهنم معرفی نموده (غافر/ ۴۳) و در جای دیگر ضمن نهی از آن تصریح کرده است که خداوند آنها را دوست ندارد (انعام/ ۱۴۱؛ اعراف/ ۳۱). روشن است وقتی خداوند از کاری و از کسی به خاطر آن کار نفی محبت کند، وجود آن، موجب دوری انسان از خدا و در نتیجه، دوری از اخلاق و معنویت خواهد شد. چنانکه مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر، مصرف‌گرایی را برای جامعه بلای بزرگی دانسته و بیان داشته‌اند که اسراف، روزه‌روز شکاف‌های طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاه‌های مسئول بخش‌های مختلف دولتی، به‌ویژه دستگاه‌های تبلیغاتی و فرهنگی باید مردم را نه فقط به اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند. ایشان در ادامه تصریح فرموده‌اند که مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدان‌های مختلف شکست خواهد خورد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۹/۱۵). این مسئله در دوران تحریم و فشار اقتصادی بر مردم اهمیت مضاعف و چند برابر پیدا می‌کند و ضرر آن برای اخلاق و معنویت بسیار واضح و روشن است.





- بی‌اعتنایی نسبت به فساد اقتصادی: بی‌اعتنایی نسبت به گسترش فساد، به ویژه فساد مالی و اقتصادی یکی از موانع رشد اخلاق و معنویت برای فرد و جامعه است. چنانکه در بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از کشاورزان تصریح شده است: «فساد در ارکان هر جامعه‌ای به وجود بیاید، در حرکت آن اختلال ایجاد می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۰/۱۲) فساد اقتصادی انواع و اقسامی دارد. برخی از آنها در بیان مقام معظم رهبری چنین آمده است: «فساد یعنی این‌که کسانی با زرنگی، با قانون‌دانی، با زبان چرب و نرم و با چهره‌ای حق به جانب، به جان بیت‌المال افتاده، کیسه‌های خود را پُر کنند. یکی از ضررهای آن رایج شدن گناه با رایج شدن پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان است. فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی، جنسی، شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹).

با توجه به خسارت‌های جبران‌ناپذیر بی‌اعتنایی نسبت به فساد مالی، واکنش امام علی (ع) نسبت به این مسئله دیدنی و جالب توجه است؛ وقتی جاسوسان امام علی (ع) به آن حضرت خبر دادند که ابن هرمه، مسئول امور اقتصادی منطقه «اهواز»، رشوه گرفته و به بیت‌المال دست‌اندازی کرده است، امام بی‌درنگ به رفاعه، فرماندار ناحیه اهواز، نامه می‌نویسند و دستور حکومتی صادر می‌کنند که «ای رفاعه! زمانی که این نامه را درباره ابن هرمه مسئول بازار خواندی، بلافاصله عزلش کن، به زندانش بیفکن، او را به مردم معرفی کن و به کارگزاران بنویس و نظر مرا درباره او به آنها اعلام کن. مبدا غفلت و کوتاهی کنی که در آن صورت در نزد خدا هلاک شده و تو را به زشت‌ترین وجه عزل خواهم کرد. در روز جمعه او را از زندان بیرون آورده، پیش چشم مردم (در نماز جمعه) سی و پنج ضربه شلاق بزن و در کوچه و بازار بگردان تا همه ببینند و هرکس طلبی و مدرکی دارد، طلبش را از او بستاند. دوباره با اهانت، زشتی و خواری به زندان برگردان، پایش را در زنجیر کن و جز در وقت نماز آن را باز مکن. همچنین، در زندان ملاقاتی نداشته باشد تا راه پاسخگویی به دادگاه را به او نیاموزند؛ ولی اگر غذا و نوشیدنی و لباس و زیرانداز برایش آوردند، به او برسانید. اگر ثابت شود که کسی چیزی به ضرر مسلمانی، به او آموخته است، او را با تازیانه زده و حبسش کن تا توبه کند...» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۵۳۲). در متن بیانیه گام دوم نیز تصریح شده است: «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها [بوده] و در صورت عارض شدن در بدنه حکومت‌ها زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست و این برای نظامی



چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست ... طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی بوده و همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند. دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان، جهادگر و منیع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

**- فرافکنی:** فرافکنی به معنای نادیده گرفتن نقش خود و تأکید شدید بر نقش عوامل بیرونی و محیطی است. در این حالت فرد، اخلاقی یا معنوی بودن خود را مشروط به اخلاقی و معنوی بودن دیگران می‌کند و در نتیجه هیچ نوع اقدام مؤثر برای بهبود وضعیت اخلاق و معنویت خود انجام نمی‌دهد و از همه بدتر اینکه بی‌اخلاقی دیگران را مجوز بداخلاقی خود قرار می‌دهد و با نگاه به اطراف، کارهای خود را توجیه می‌کند. درست است که عوامل بیرونی بر انسان تأثیرگذارند و در مباحث گذشته به برخی از آنها اشاره شد، اما انسان موجودی مختار است و می‌تواند در مقابل تأثیر عوامل بیرونی بایستد، اما گاه با فرافکنی با نگاه به وضعیت نامطلوب دیگران اعم از شخصیت‌ها، زمامداران، حاکمان، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی و... احساس امنیت و اطمینان به تداوم غیراخلاقی‌های خود پیدا می‌کند و در این فرض، کمترین اراده و تصمیم برای اصلاح خود و جامعه از خود نشان نمی‌دهد. در حالیکه در اندیشه اسلامی، هر فرد مسئول عواقب کارهای خود است و باید هر نوع تغییر و تحول اخلاقی و معنوی را از خود و به خاطر کمالات خود آغاز کند. قرآن کریم در آیات متعدد روی این نکته تکیه کرده، می‌فرماید: هیچ‌کس به جای دیگری مجازات نمی‌شود (بقره/۴۸) و هر فرد مسئول رفتار خویش است (مدثر/۳۸). در شعری منسوب به امام علی (ع) نیز به این حقیقت اشاره شده است که اگر بصیرت و شعور در کار باشد، هم درد از ناحیه خود انسان است و هم دارو و درمان در وجود خود اوست (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۷: ۳۶).



## ب) موانع کنشی با عامل بیرونی

منظور از موانع کنشی با عامل بیرونی این است که برخی از رفتارهای انسان، بیشتر از عامل بیرونی متأثر می‌شود و با انجام دادن آنها جلوی تحقق و رشد اخلاق و معنویت گرفته می‌شود؛ البته این به معنای نفی کلی تأثیر خود انسان نیست، ولی عوامل بیرونی نقش برجسته‌تر را ایفا می‌کنند.

- نظام آموزشی: امروز علم‌گرایی، تخصص‌گرایی، فردگرایی، رقابت‌گرایی و در نهایت، حس‌گرایی و ماده‌گرایی غلبه دارد و لذات مطرح در امیال آدمیان نیز بیشتر لذات مادی و دنیوی است. به همین دلیل، در تدوین برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی، بیشتر مفاهیم دانشی، از جمله: معلم، شاگرد، تدریس، فرایندهای برنامه‌ریزی و ارزیابی، مفهوم موفقیت در حوزه‌های دانشی و... بیشتر حول مظاهر دنیوی، مادی، جسمانی و توسعه علم صرف می‌چرخد و جوهر اخلاقی و معنوی در حوزه آموزش کمتر در کانون توجهات آموزشی قرار دارد. این بی‌اعتنایی و غفلت می‌تواند به مثابه یکی از موانع رشد اخلاق و معنویت بروز یابد. از آنجاکه پرداختن به اخلاق و معنویت نیاز اصلی و حقیقی آدمی است، ضرورت دارد بیش از هر چیز در کانون توجه باشد؛ چنانکه در آیات متعدد قرآن کریم تزکیه قبل از تعلیم مطرح شده (آل عمران/ ۱۶۴؛ جمعه/ ۲) و روی تزکیه تأکید شده است (شمس/ آیات ۱-۸). این دیدگاه در فرمایش رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از دانشجویان چنین مطرح شده است: «در کنار علم؛ فرهنگ، تزکیه، اخلاق و معنویت هم لازم است؛ در این شبهه نکنید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۰)؛ یا در دیدار با نخبگان جوان باز تأکید فرموده‌اند: «علم را برای خدمت، برای معنویت، برای پیشرفت فضایل انسانی، برای دفاع حقیقی از حقوق انسان باید فرابگیریم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۱۲).

- نظام تربیتی: در نظام تربیتی نیز گاه اخلاق و معنویت در کانون توجه قرار نگرفته، بیشتر به توسعه علم و آموختن چند اصطلاح و گذراندن چند واحد درسی و یا برگزاری چند مراسم و جلسه‌ای تربیتی اکتفا می‌شود. این نگاه نه تنها به رشد اخلاق و معنویت نمی‌انجامد، بلکه مانع تحقق و رشد آن خواهد شد؛ زیرا تربیت اخلاقی و معنوی زمانی حاصل می‌شود که علاوه بر محتوای تربیتی سالم و سازگار با اخلاق و معنویت اسلامی، مربی و محیط تربیتی نیز از اخلاق و معنویت برخوردار باشد. منش اخلاقی و معنوی مربیان و معلمان نقش اول را



در ترویج اخلاق و معنویت دارد. نهادینه شدن آن دو در گرو آن است که مربیان خود به آنچه می‌گویند و آموزش می‌دهند، عمل کنند و خود نمونه‌های عینی از عمل به آموزه‌های اخلاقی و معنوی باشند. امام علی (علیه السلام) در همین باره می‌فرماید: وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَنَاهَوْا عَنْهُ فَإِنَّمَا أُمِرْتُمْ بِالنَّهْيِ بَعْدَ التَّنَاهِي (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۱۵۲): و از منکر مرتکبین را نهی کنید و خودتان آن را مرتکب نشوید؛ زیرا شما مأمور شده‌اید که پیش از آنکه از منکر نهی نمایید خود آن را به جا نیاورید. در جای دیگر می‌فرماید: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا - [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ] فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (شریف رضی: ۴۸): هر که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهد، باید پیش از یاد دادن به دیگری، نخست به تعلیم نفس خود پردازد و تربیت با خوی و سیرت پیش از تربیت زبانی باشد و معلم و مربی خود بودن بیش از معلم و مربی مردم بودن، شایسته اجلال و تعظیم است.

یکی از موانع آموزشی و تربیتی پرداختن به مسائل اخلاقی و معنوی به صورت کلی و به بیان دیگر، کلی‌گویی و پرهیز از آموزش‌های عینی، مصداقی و جزئی است. بسیاری از معلمان و مربیان مسایل اخلاقی و معنوی را به صورت توصیه‌های کلی ارائه می‌دهند و برای تطبیق آنها با بیان مصادیق جزئی و تعیین حد و حدود مفاهیم اخلاقی و معنوی راهکار بیان نمی‌کنند، این مسئله باعث کاهش تأثیر آموزش‌ها و توصیه‌ها می‌شود و در ذهن مخاطب ابهام و حتی دل‌زدگی ایجاد می‌کند، در حالی که آموزه‌های دینی در کنار طرح اخلاقیات به جزئیات و بیان مصادیق جزئی آن نیز می‌پردازد. از باب نمونه وقتی در منابع دینی نظافت به عنوان جزء ایمان معرفی شده است، مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب وسایل الشیعه در ابواب حمام و تنظیف، حدود ۱۱۵ باب و در هر باب چندین روایت از روایات مربوطه را با بیان جزئیات و مصادیق عینی مطرح کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۲۷ تا ۱۷۲). این جزئیات متأسفانه در آموزش و تربیت‌های اخلاقی و معنوی مطرح نشده‌اند و متریبان از آنها محروم می‌مانند.

مانع دیگر برای رشد اخلاق و معنویت رفتار بر عکس معلمان و مربیان است، بدین معنا که گاه تحویلی‌نگری یا جزئی‌نگری موجب می‌شود که با نگاه تک‌بعدی و تقلیل‌پدیده‌های چند وجهی به یک وجه، از پرداختن به وجوه و ابعاد دیگر غفلت شود. این مسئله باعث



پیدایش چهره کاریکاتوری از اخلاق و معنویت می‌شود؛ زیرا بر یک ارزش و فضیلت خاص تأکید شده، فضیلت‌ها و ارزش‌های دیگر فراموش می‌شود.

اخلاق و معنویت پایه‌های تحقق تمدن اسلامی بوده، شایسته است هم از درون به تمام مؤلفه‌های آن توجه شود و هم در بیرون با همکاری و با فعالیت شبکه‌ای و کارهای هماهنگ نهادهای علمی، فرهنگی و آموزشی و تربیتی و... پایه‌های آن استحکام یابد. انسان مثل گوی برفی از همه کانال‌های مسیر عبور خود رنگ و تأثیر می‌پذیرد، عدم ارتباط و هماهنگی شبکه‌های آموزش، خانواده، محیط، نهادهای فرهنگی و تربیتی و... انسان را در انتخاب مسیر گنج و مبهوت ساخته، در آخر به نتیجه مطلوب نمی‌رساند.

- کنش زمامداران: تصمیم و کنش زمامداران و حاکمان همان‌گونه که در پیشبرد و تقویت شعور معنوی و وجدان اخلاقی جامعه بسیار مؤثر است و به تصریح رهبر معظم انقلاب در متن بیانیه، «این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نمی‌یابد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)، به همان اندازه و بیش از آن در تخریب اخلاق و معنویت جامعه نیز مؤثر است؛ زیرا رفتار حاکمان به شدت بر مردم تأثیرگذار بوده، به ضرب‌المثل مشهور تبدیل شده است که «الناس علی دین ملوکهم». در منابع دینی نیز روی این مسئله حساسیت فراوان نشان داده شده است، از جمله اینکه امام علی (ع) در نامه‌اش به مالک اشتر چنین دستور می‌دهد: پس از دقت در امور کارگزاران حکومت و به کار گرفتن آنها پس از آزمایش، به کارهایشان رسیدگی کن و جاسوسانی از اهل راستی و وفا بر آنان بگمار... اگر یکی از آنان دست به خیانت دراز کرد و مأموران مخفی تو به اتفاق خیانتش را گزارش کردند، به همین گزارش اکتفا کن و او را به جرم خیانت کیفر بدنی بده و وی را به اندازه عمل ناپسندش عقوبت کن و سپس او را به مرحله ذلت و خواری بنشان و داغ خیانت بر او بگذار و گردنبد عار و بد نامی را به گردنش ببنداز (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۶-۴۳۵)؛ یعنی او را به مردم معرفی کن و آبرویش را بریز تا مایه عبرت دیگران شود.

روح حاکم بر بیانیه گام دوم انقلاب و راهبرد اصلی بحث اخلاق و معنویت نیز بر روی کارگزاران متمرکز است. در واقع، پس از اصلاح حاکمان و دولت، جامعه‌سازی و مردم‌سازی مؤثر خواهد بود. در این بیانیه تأکید شده است که حاکمان باید این کار را «اولاً» با داشتن منش و رفتار اخلاقی و معنوی و ثانیاً، با فراهم نمودن زمینه برای رواج آن در جامعه و میدان



دادن و کمک رساندن به نهادهای اجتماعی و مبارزه با شیوه معقول با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق و اجازه ندادن به جهنمی‌ها برای جهنمی ساختن مردم با زور و فریب» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) دنبال کنند. محقق نشدن هر یکی از این مؤلفه‌ها، به خصوص روی گردانی مسئولان از شعارهای انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی و معنوی و باور نداشتن به آنها، حب قدرت، ثروت، شهوت، زندگی اشرافی، اختلاس و ایجاد شکاف طبقاتی هر کدام به یک آسیب و مانع بزرگ برای اخلاق و معنویت تبدیل شده، خسارت‌های ناشی از بی‌توجهی به شعارهای انقلاب، مردم را از آن گریزان خواهد ساخت. سعدی در گلستان از قول انوشیروان به زیبایی نقش و تأثیر رفتار زمامداران بر مردم را نقل کرده است:

آورده‌اند که انوشیروان عادل را در شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود، غلامی به روستا رفت تا نمک آرد، نوشیروان گفت نمک به قیمت بستان تا رسمی نشود و ده خراب نگرده، گفتند از این قدر چه خلل آید؟ گفت بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است هر که آمد بر او مزیدی کرده تا بدین غایت رسیده؛

اگر ز باغ رعیت مَلِک خورد سیبی  
بر آورند غلامان او درخت از بیخ  
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد  
زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ

(سعدی شیرازی، ۱۳۸۸، حکایت ۱۹).

تحقیقات میدانی نیز نشان می‌دهد که تبعیض، اختلاس، ارتشا و دیگر مفاسد اخلاقی حاکمان و زمامداران، اخلاق و معنویت را از جامعه ریشه‌کن می‌سازد و در واقع، بسیاری از مشکلات جامعه، معلول چنین رفتارهایی است؛ چنانکه نقش رفتار شایسته آنها در اصلاح اخلاق و رفتار رعیت نیز غیر قابل انکار است.

حسن ختام این بحث، حکایت جالب از نانوای ویژه سلطان ابراهیم غزنوی و سرنوشت عبرت‌آموز او به نقل از سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی، وزیر مقتدر عهد سلجوقی، است:

«شنیدم که در غزنین خبّازان [نانوایان] در دکان‌ها بیستند و نان عزیز [گران، کمیاب] و نیافت شد و غُربا [غریبان] و درویشان در رنج افتادند و به تظلم [دادخواهی] به درگاه شدند و پیش سلطان ابراهیم از نانوایان بنالیدند. فرمود تا همه [نانوایان] را حاضر کردند. گفت: «چرا



نان تنگ کرده‌اید؟» گفتند: «هر باری گندم و آرد که در این شهر می‌آرند، نانوائی تو می‌خرد و در انبار می‌کند و می‌گوید: «فرمان چنین است»؛ و ما را نمی‌گذارد که يك مَن بار بخریم». سلطان بفرمود تا خبّازِ خاص را بیاوردند و در زیر پای پیل افگندند. چون بمُرد بر دندان پیل بیستند و در شهر بگردانیدند و بر وی منادی می‌کردند که «هر که در دکان بازنگشاید از نانبایان، با او همین کنیم». و انبارش [انبارِ نانوائی شاه] خرج کردند. نماز شام [هنگام نماز مغرب] بر در هر دکانی پنجاه مَن نان بمانده بود و کس نمی‌خرید» (طوسی، ۱۳۸۳: ۶۲).

- اشرافی‌گری: در میان کنش‌های مؤثر زمام‌داران، اشرافی‌گری به دلیل اهمیت بیشتر آن جداگانه ذکر می‌شود. این ویژگی اختصاص به زمام‌داران ندارد و ممکن است به عنوان مانع کنشی با عامل درونی نیز مطرح شود، ولی به دلیل شیوع بیشتر آن در بین حاکمان و قدرتمندان جزء مانع کنشی با عامل بیرونی ذکر شده است که خطر آن در روایات نیز گوشزد شده است؛ از جمله حماد بن بشیر نقل کرده که شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: دو گرگ گرسنه و درنده که به گله بی‌چوپان زنند، یکی از جلو و یکی از دنبال آن (و آن را محاصره کنند) زیان و تباهکاری‌شان برای دین یک مسلمان بیش از دوستی دنیا و اشرافی‌گری نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۱۵). از این امر در بیانات مختلف مقام معظم رهبری نیز به عنوان مانع رشد عدالت و فضایل دیگر یاد شده است: «از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می‌کند، نمود اشرافی‌گری در مسئولان بالای کشور است، اشرافی‌گری هرچند با در آمد حلال باشد، دو عیب دارد: یکی، اسراف و دیگری، فرهنگ‌سازی برای مسابقه دادن همه ...» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۵). به همین دلیل، برای جلوگیری از پیدایش این مانع بزرگ، در جمع اقشار مختلف مردم تأکید فرموده‌اند: «جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود؛ اشرافی‌گری بالای کشور است. وقتی در قلّه‌های جامعه به وجود آمد، به بدنه سرریز خواهد شد. رفتار، گفتار و تعالیم مسئولین باید ضدّ جهت اشرافی‌گری باشد؛ کمالینکه اسلام این جور است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۱۱). اگر مسئله اشرافی‌گری رایج و جزو سبک زندگی ما شود، آثار و تبعات آن و ریزش‌هایی که به وجود می‌آید، دیگر انتهای نداشتن، کار را خیلی مشکل خواهد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۳/۳۰).

ایشان در دیدار با جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا نیز تصریح فرموده‌اند: «ما مسئولان باید روح اسلامی را در خود زنده نگه داشته، روح اشرافی‌گری را دور بیندازیم و



رشته سودجویی و ثروت‌طلبی و دنبال منافع شخصی دویدن و تجمل‌پرستی و امثال اینها را از دست و پای خود باز کنیم. اگر گرفتاری‌های ما در بخشی حل نشده است، علتش این‌هاست؛ اینها را باید اصلاح کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۱).

### نتیجه‌گیری

با اشاره به اهمیت تنزیه اخلاقی و معنوی فرد و جامعه از ابعاد مختلف، گفته شد که بر اثر غلبه اندیشه‌های گمراه‌کننده و عدم بینش درست، انگیزش و آموزش مناسب و عدم توجه به اهمیت، ارکان و مبانی دقیق اخلاق و معنویت اسلامی، ممکن است بسیاری از مفاهیم اخلاقی و معنوی و اساس اخلاق و معنویت به محاق برده شوند. برای جلوگیری از این وضعیت، شناخت موانع و آسیب‌های مطرح در هر عصر و زمان برای اخلاق و معنویت، ضروری است. به همین دلیل، در این نوشتار به نقش بینش، انگیزش، گرایش، منش و کنش شایسته در رشد اخلاق و معنویت و نبود آنها در عدم تحقق اخلاق و معنویت پرداخته شد و از میان موانع کنشی، از نقش برخی موانع کنشی با عوامل درونی و برخی دیگر با عوامل بیرونی در جلوگیری از پیدایش اخلاق و معنویت یاد شد.





## منابع و مآخذ

### - قرآن کریم.

- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت (ع).  
- آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۸، ۷ دی)، پایگاه اطلاع‌رسانی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، از:

<http://farsi.khamenei.ir/index.html>

- آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)، «بیانیه گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران.  
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم: آل البيت.  
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱)، لغت‌نامه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: ناشر چاپی.  
- ذوعلم، علی (۱۳۸۴)، «تأملی در مفهوم «چالش»؛ واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران»، مجله زمانه، س ۴، ش ۳۶ (از ۳۴ تا ۳۷).

- سعدی شیرازی (۱۳۸۸)، گلستان، مصحح: عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.

- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، چاپ اول، قم: هجرت.

- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش)، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی.  
- طوسی، ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق، معروف به خواجه نظام الملک (۱۳۸۳)، «سیر الملوک» یا سیاست‌نامه، به اهتمام هیوبرت دارک، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۹۸۲م)، نهج الحقّ و کشف الصدق، بیروت: دار الکتب اللبنانی.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش، احمد حسین شریفی، چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- مصباح یزدی، محمدتقی (۹۷-۹۶)، «درس‌ها؛ درس‌های اخلاق اسلامی سال تحصیلی»، جلسه پنجم:  
<http://mesbahyazdi.ir/node/۶۵۰۴>

- هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (خونی)، چاپ چهارم، تهران: مکتبه الاسلامیه.



